

گاهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

شماره ۵۸

# همای

موانع ازدواج

# صحبتهای عمده



پاییز ۱۴۰۴

# گاهنامه همدم

**صاحب امتیاز:** دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

**مدیر مسئول:** فاطمه قربانی زاده

**سردبیر:** امیررضا الهی

**هیئت تحریریه:** فاطمه سادات سجاد حسینی - فاطمه قربانی زاده

**طراحی و صفحه آرایی:** آنتینا نیکنام - امیدرضا توفیقی

**استاد راهنما و ناظر متون:** خانم دکتر ناهید یعقوبیان

گاهنامه سیاسی - اجتماعی - فرهنگی پاییز ۱۴۰۴ شماره ۵۸

دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری

دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

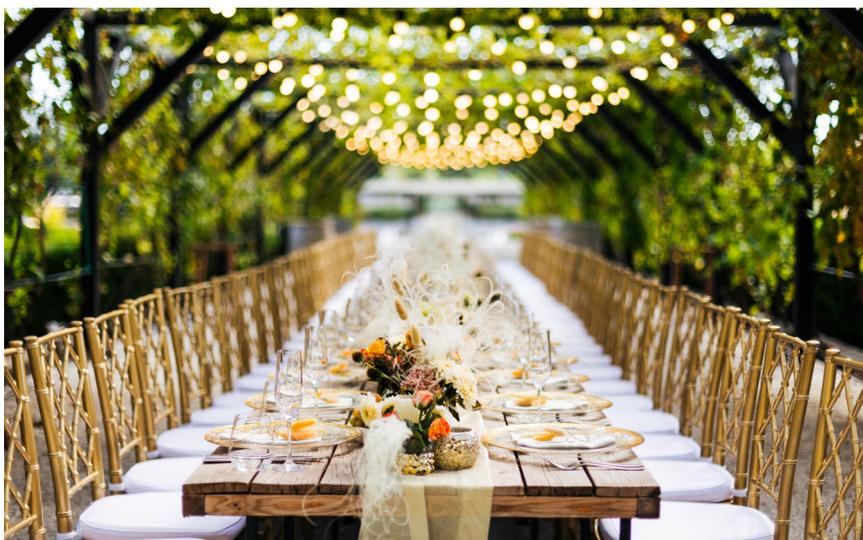


## موانع ازدواج

در این هفته‌نامه به بررسی موانع ازدواج میپردازیم.

راستی به نظرت چند تا از این موانع وجود خارجی ندارند و ما به همراه خانواده‌هامون، خودمون برای خودمون ساختیم شون؟

بریم بینیم چندتا شون واقعا جز موانع اند و چندتا شون رو ما با تغییر نگاهمون میتونیم از سر رامون برداریم و نیاز به کشتی گرفتن نداره و به قول معروف گره‌ای که با دست باز میشه رو با دندون باز نکنیم!



هرگاه فاطمه را میدیدم غم و غصه‌هایم  
 بر طرف می‌شد.  
 (امام علی (ع))

## ۱- ترس

این یه مانع درونی هست اما گاهی به قدری قدرتمنده که کاملاً فرد رو از لحاظ تصمیم‌گیری سر این موضوع فلج می‌کنه این ترس گاهی به علت ترس از شکست هست!



وقتی خونه‌های ساخته شده با سرعت NX در حال ویرانیه، دست‌ها برای ساختن خونه جدید می‌لرزه.

با این آمارهای صعودی ثبت طلاق ترس از شکست طبیعیه و تا حدی هم بد نیست؛ بلکه می‌تونه سازنده باشه به شرطی که تا حدی پیش نره که تبدیل به یک مانع ازدواج و عامل بازدارنده بشه...

ترس از شکست در ازدواج می‌تونه محرکی باشه برای آموزش دیدن و آگاه شدن تا انتخاب درست شکل بگیره.

برای معقولانه انتخاب کردن معیارهای درجه یک و دو، بررسی عواملی که موجب شکست ازدواج بقیه شده و همچنین برای کسب مهارت‌های زندگی مشترک و...

پس می‌بینید که اگر ترس عامل محرک باشه اتفاقاً می‌تونه از شکست صاحب خودش جلوگیری کنه!

وقتی دلایل طلاق افرادی رو که تو ثبت دادخواست طلاق، صف

کشیدن بررسی می‌کنی، به دو تا نکته کلیدی می‌رسی:  
اول اینکه خیلی هاشون از اول انتخاب درستی نداشتن.

خب این بلا سر هر کسی که قبل ازدواج برای خودشناسی و تعیین معیارهای درجه بندی شده‌اش زمان نداشته به احتمال زیاد میاد.



وقتی برای خودت معیارهای منطقی و اصولی نداشته باشی اون وقت یا معیارهای بقیه میشه دلیل تو برای انتخاب همسر یا هم قیافه و شرایط مالی و خانوادگی طرف میشه معیار تو برای اندازه گیری و انتخاب کردنت.

البته بعضی‌ها هم کلاً معیارهاشون برای انتخاب همسر همین طول چشم و عرض لب و مساحت بینی و شعاع صورت هست! و بعضی‌ها هم میگن طرف خیلی آدم حسابیه؛ اما منظور حساب گردش مالی حساب طرف و خانوادهاش هست.

قبلاً هم گفتیم که مهمه ظاهر طرف به دل شما بشینه و قطعاً لازمه که پسر از پس مخارج زندگی بر بیاد و عقل معاش هم داشته باشه!

اما بعضی‌ها کلاً همین دو تا چشم‌شون رو پر می‌کنه و براشون کافیه و همون‌طور که قبلاً هم گفتیم بعضی کلاً به خاطر زیبایی و پول عقدنامه رو امضا می‌کنن و بعد هم به خاطر اخلاق طرف دادخواست طلاق میدن!

حالا به این معنا هم نیست که هر کی ظاهر تمام و کمال و شرایط



عشق یعنی اینکه زهر هر محر قبل آغاز  
ساعتی محو عیاشی علی می ایستار

مالی خوبی داشت دیگه اخلاق نداره؛

نه! این ها اصلا ارتباطی به هم نداره!

درسته دوست من! این ها اصلا ربطی به هم نداره؛ پس تو هم به هم ربط شون نده.

صحبت ما اینکه که ای آقا و خانم عزیز، لطفاً اخلاق و اعتقادات طرف مقابل تون رو خیلی دقیق بررسی کنید و به اینکه رنگ پوست



و چشمش فلان و قدش بیساره و شغلش بهمانه و خونه شون فلان منطقه و پدر مادرش فلان کاره هستن اکتفا نکنید؛ چون هیچ کدوم از این ها نشون دهند اینکه اون آدم، آدم مناسب شما برای زندگی مشترک هست یا نه، نیست!

شاید اصلا طرفین خیلی هم اخلاق مدار

باشند و ارزش های درست و حسابی هم

داشته باشند؛ اما روحيات و اخلاقیات شون به هم نخوره یا اصلا تعریف شون از ارزش های که دو طرف بهش پایبند هستند با هم از زمین تا آسمون متفاوت باشه!

ممکنه تعریف تو از غیرت یا حیا با اون خیلی فرق داشته باشه؛ در

حالی که این صفت برای هر دو تایی شما یک ارزش باشه!

شاید تعریف شما با اون از صداقت خیلی متفاوت باشه درحالی

که برای هر دو تایی شما این یک ارزش باشه!

اصلا شاید یک صفت یا اخلاق برای کسی با ارزش باشه اما فقط

معشوق من کسی است که  
همانند من پیدا نمی شود و جز او  
هیچکس سهمی از قلب ندارد

در سخن ازش دم بزنه و در عمل بهش پایبند نباشه!

پس شما که حتی از میلی متر قد طرف و جایگاه شغلی شوهر خواهرش و ریز مطالب ظاهری و مالیش اطلاع داری، خیلی زشته که از اخلاق و اعتقاداتش به طور کلی اطلاعات کسب کرده باشی!

پس عدم انتخاب فرد درست اولین عامل طلاق بود.

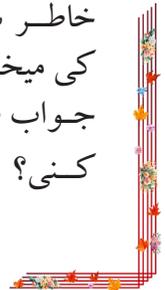
**دومین عامل عدم یادگیری قواعد زندگی مشترک** که میخوایم بررسی کنیم.

خب وقتی کسی حتی یک کتاب هم برای یادگیری مهارت زندگی باز نکرده چه طوری انتظار داره زندگی شو درست اداره کنه و در هر شرایطی برخورد درست رو انتخاب کنه؟

گاهی دو نفر خیلی هم آدمهای مناسبی برای هم هستن و کفویت زیادی با هم دارند اما چون قواعد زندگی مشترک رو یاد نگرفتن خودشون با دست خودشون و در واقع با رفتار خودشون زندگی شون خراب میکنن!

این آدمها بعداً با هر کس دیگه هم مجدداً ازدواج کنن، اگر بخوان همین طور تجربی و حسی پیش برنند به جای دانایی و آگاهی؛ باز به بن بست میخورن!

پس اگر ترست از ازدواج به خاطر شکسته، حق داری؛ اما تا کی میخوای به جای پیدا کردن جواب صورت سوال رو پاک کنی؟



## ۲- ترس از مسئولیت پذیری



دومین عاملی که باعث ترس از ازدواج میشه، ترس از مسولیت پذیریست که این به علت تربیت کامل نشده‌ای هست که از والدین همراه فرد باقی می‌مونه و این خودش یکی از موانع ازدواج به شمار می‌ره.

تربیت وقتی به کمال خودش میرسه که والدین فرزندشون رو برای ورود به جامعه و پذیرش نقش‌هایی که در جامعه بر عهده‌شون خواهد بود، آماده کنند اما متأسفانه بعضی پدر و مادرها فرزندان‌شون رو اینطور تربیت نمی‌کنند؛ از کودکی و نوجوانی مسولیت‌های متناسب با بازه سنی فرزندشون رو بهشون نمی‌دن، به پسرشون فرصت کارهای پاره وقت و تابستونه نمیدن، به دخترشون برای انجام کارهای خونه مسولیت نمی‌دن و وقت بچه‌ها هم صرفاً منحصر به درس هست.

تازه این بهترین حالت؛ در حالت‌های دیگه همون درس هم کم‌رنگ و فقط به رفیق‌بازی و جلو آینه ایستادن و کافه گردی و گیم میگذره؛ دریغ از اینکه کمی مطالعه هدفمند و کسب مهارت در برنامه‌شون باشه.

مسئولیت‌پذیری به عنوان یک نقش موثر در خانواده است؛ والدین هم به این خیال که بچه‌ام اذیت نشه فکر می‌کنن خیلی هم والدین خوب و دلسوزی هستند؛ در حالی که نمی‌دونن بدترین خیانت رو دارن در حق فرزندشون می‌کنن و در نهایت، این بچه به سن جوانی و ورود به جامعه و پذیرش نقش در جامعه میرسه؛ بدون اینکه آمادگی شو از قبل کسب کرده باشه و همین باعث میشه از زندگی عقب بمونه و در شرایطی که بقیه دارن به سادگی طی می‌کنند به شدت دچار چالش بشه.

هرچند که ازدواج شرایط ساده‌ای در زندگی کسی نیست و کسی هم به سادگی از این مرحله از زندگی عبور نمی‌کنه اما فردی که بالغانه رشد نکرده و پخته و تربیت نشده یا اصلاً نمی‌تونه وارد این مرحله بشه و یا اگر هم بشه، شدیداً هم خودش و هم طرف مقابلش رو، عذاب خواهد داد!



### ۳- فراموشی هدف اصلی ازدواج

از ترس و تربیت ناقص والدین که بگذریم مانع بعدی در تشکیل خانواده و ازدواج جوانان از بین رفتن نگاه مقدس به ازدواج و فراموش کردن هدف اصلی در ازدواج است.

در دین اسلام هدف اصلی از ازدواج رسیدن به آرامش هست.  
(سوره روم، آیه ۲۱)

با وجود اینکه در آن زمان، چند همسری امری رایج و مجاز بود، حضرت علی (ع) تا زمانی که حضرت فاطمه (س) در قید حیات بودند، همسر دیگری اختیار نکردند.

و این آرامش سرمایه‌ای برای رشد دادن ایمان فرد است. (سوره فتح، آیه ۴)

اما حتماً لازم نیست دیندار بود تا هدف از ازدواج رو آرامش قرار داد.

این آرامش لازمه حیاتی زندگی همه ماست و حتی اون کسی هم که نگاهش به ازدواج اصلاً معنوی نیست باز هم نیاز به آرامش داره تا بتونه راحت تر در ابعاد دیگه زندگیش پیشرفت کنه.

چون آرامش فقط باعث پیشرفت در دینداری نمیشه بلکه مایه‌ی حیاتِ پیشرفت در تمام عرصه‌های زندگیه!

اما اگر این نگاه معنوی به ازدواج از بین نمی‌رفت اون وقت شاهد ایجاد این همه مشکل هم در امر ازدواج نبودیم.

گاهی در این مسیر چالش‌ها و مانع‌هایی می‌بینیم که خداوند از بنیاد با این کارها مخالف است. مثل همین ازدواج امروزه که تبدیل به صحنه رقابت و فخر فروشی برای بسیاری از افراد شده؛ در حالی که دین ما این امر رو به شدت نهی کرده و عواقب ناگواری رو هم براش پیش بینی کرده.

پیامبر گرامی اسلام میفرماید: «کسی که زنی را به حلال و از مال



جام تو و جام من گویم که بکر بوده است  
سنگد بدین یک جام، کز غیر تو بیزارم  
- مولانا

حلال به ازدواج خود دریاورد، در حالی که مقصود او از این ازدواج  
فخر فروشی و خودنمایی باشد، خداوند به وسیله این ازدواج جز بر  
ذلت و خواری او نخواهد افزود...»

وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۲

و یا در خرید جهیزیه و گرفتن مراسمات به دنبال تایید و بستن  
دهان عیب جوئی مردم هستیم و اصلاً متوجه نیستیم چه طور میشه  
زندگی مون رو پای حرف مردم بریزیم و دنبال آرامش هم باشیم.  
همه‌ی این‌ها به خاطر اینه که نگاه ما به ازدواج دیگه نگاه معنوی  
نیست و کاملاً شکل مادی به خودش گرفته!

همین امر باعث میشه ازدواج‌های ما شدیداً رنگ تشریفاتی و  
تجملاتی به خودش بگیره؛ که این خودش یک تنه به یکی از  
موانع بزرگ ازدواج تبدیل شده!

#### ۴- تجملات



پس یکی دیگه از موانع  
ازدواج همین تجملات و تشریفات  
غیرمنطقیه که هر روزه داره بهش  
افزوده میشه و از تمام جزئیات مراسم  
عروسی گرفته تا مهریه و جهیزیه رو تحت پوشش قرار میده که  
اینها هر کدوم شون به عنوان یک مانع برای ازدواج به شمار می‌ره.

جهیزیه و مهریه که سنگین!

مراسم عقد و عروسی هم پر تجمل!

معتوق من کسی است که همانند من بد را  
نی شود و جز او هیچکس نمی از قلم ندارد

هر کسی هم با توجیه به اینکه فقط یک بار قراره ازدواج کنم  
(البته انشاءالله که فقط همین یه بار باشه...) هیزمی تو آتیش بالا  
رفتن سن ازدواج میندازه!

غافل از اینکه این هیزم داره آتیش به خرمن زندگی های خودمون  
میزنه

در حالی که سن بلوغ در حال کاهشه، سیر صعودی سن ازدواج،  
زنگ خطر بزرگی برای عفت عمومی جامعه محسوب میشه! چون  
هرچی فاصله بین سن بلوغ جنسی با سن ازدواج بیشتر باشه، احتمال  
منحرف شدن جوان هم بیشتره که امروزه در جامعه شاهدش هستیم...

## ۵- معیارهای اشتباه

یکی دیگه از موانع ازدواج ملاک های غیر منطقی جوان ها برای  
انتخاب همسر هست.

گاهی هنگام انتخاب همسر فراموش می کنیم که داریم شریک  
زندگی، همراه و همسفر انتخاب می کنیم و اصلا این ملاک هایی که  
چیدیم چه ربطی به انتخاب همسر داره!

یا برخی اون قدر ملاک های زیادی کنار هم می چینن  
که انگار فراموش کردن روی زمین دارن زندگی می کنن  
و اصلا معلوم نیست این ملاک ها رو برای انتخاب همسر  
ردیف کردن یا برای سفارش به خدا که برایشون  
اختصاصی بسازه!



## ۶- اقتصاد

یکی دیگر از موانع ازدواج بحث اقتصادی هست

در بحث اقتصادی وظایفی به عهده دولت مردان هست؛ مثل فراهم کردن شرایط شغلی و تهیه مسکن مناسب برای جوانان.

وظایفی هم به عهده خود ماست مثل تلاش برای دوری از چشم و هم چشمی و تجمل گرایی!

مثل اینکه والدین فرزندان شون رو برای اینکه روزی قراره همسر و والد بشن تربیت و آماده کنن و اونهارو اهل تلاش و درآمدزایی بار بیارند و صرفا مصرف گرا و متوقع پرورش ندن!

نمیشه انکار کرد بسیاری از بخش‌هایی که امروزه به پیش زمینه‌ها و مقدمات ازدواج اضافه شده در راس و اصل نیست و اضافات و فرعی‌هایی شده که گاهی خانواده‌ها و جوان‌ها رو در خودش گم می‌کنه و از اصل، دورشون میکنه.

وقتی خانواده دختر عزت دختر رو در تجمل گرایی‌ها و تبرج‌ها می‌بینن و خانواده پسر هم اگر خانواده دختر خانم ساده بگیره، به جای قدردان بودن، برای اون دختر ارزش کمتری قائل میشن! وقتی به جای اخلاقیات مهریه میشه ضامن حفظ زندگی، جهیزیه چشم پر کن میشه آبروی دختر و عروسی لاکچری میشه نشون‌دهنده ارزش قائل شدن خانواده پسر برای عروس، وقتی دختر و پسری می‌خوان زندگی شونو ساده اما پاک شروع کنن اولین مانعی که باهاش

مواجه میشن مخالفت خود خانواده‌ها شونه،  
زمانی که چشم و هم چشمی باعث  
میشه اصلا قشنگی‌های زندگی خودمون  
رو نبینیم و چشم‌مون فقط به استوری و  
پستِ بلاگرها از زندگی هاشون باشه  
در حالی که اونا از این شو آف  
دارن میلیونی پول درمیارن و  
کارشون همینه! اما ما حواس  
مون نیست... وقتی ادامه تحصیل  
ارزش والا تری نسبت به تشکیل خانواده برامون میشه و جوری رفتار  
می‌کنیم انگار این دوتا بلای جون همدیگه هستن و نمیتونن کنار  
همدیگه قرار بگیرن، توجه نداریم انسان موجود چند بعدی هست  
و باید تمام ابعاد زندگی شو با هم رشد بده تا احساس موفقیت  
و خوشبختی داشته باشه و انسان تک بعدی محکوم به افسردگی و  
اسارت در همون یک بعد میشه!



وقتی حتی خانواده‌های قشر مذهبی جامعه‌مون هم درگیر این  
انحرافات در مسئله ازدواج و تشکیل خانواده شدن، به جای اینکه  
الگو صحیح و خدایسندانه‌ای برای بقیه جامعه باشن...

و ده‌ها و شاید صدها چالش و مانعی که خود ما مردم، خود ما  
پدر و مادر برای خودمون و جوون هامون به وجود آوردیم، مسئله  
موانع ازدواج به همین یک هفته نامه و چند صفحه نوشته، ختم  
نمیشه!

در پایان باید بگیم که ازدواج یک نیاز حقیقی است؛ نه ساختگی.

خدا انسان رو اینطور آفریده (سوره روم، آیه ۲۱)

برخی به اینکه جنبه غریزی ازدواج پر رنگ بشه اعتراض دارن، ما هم معتقد نیستیم که تنها جنبه ازدواج بعد غریزی اونه، بلکه نگاه ما اینه که اصلی ترین فلسفه و دلیل ازدواج رسیدن به آرامشه!

اما کسی هم نمیتونه انکار کنه که یکی از ابعاد اصلی ازدواج که آرامش انسان رو رقم می‌زنه همین بعد غریزه.

نباید واقعیت‌های مسلم رو به اسم «احترام به انسان» منکر بشیم!

آیا این صحبت که انسان باید شغلی داشته باشه تا درآمدی داشته باشه و خودشو سیر کنه بی احترامی به انسان محسوب میشه؟

خب انسان طوری آفریده شده که نیاز به خوردن داره!

ازدواج هم نیاز حقیقی انسان که باید شرایط فراهم بشه تا بهش پاسخ داده بشه!

در زمینه ازدواج نیازه که خود ما مردم کار جنبشی و رسانه‌ای انجام بدیم، قرار نیست آپولو هوا کنیم؛ فقط لازمه دیدگاه‌مون نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده و مقدماتش رو با اون چه که در دین‌مون

از ما خواسته شده یعنی ساده‌زیستی و سهل‌گیری

منطبق کنیم و یک اصل اصیل و ارزشمند یعنی

خانواده رو فدای هزاران فرع خودساخته

و موقتی نکنیم؛

**و این رو دوباره تبدیل**

**به فرهنگ جامعه‌مون**

**کنیم!**



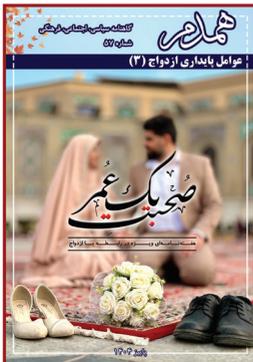
قد و بالای علی از چشم زهرا دیدنی است...  
وای اوقتی می رسد دریا به دریا دیدنی است...

هدف از پرداختن به این مسئله تحلیل و تغییر امور اشتباهی بود  
که به عنوان آداب و رسوم میون عموم جامعه جا افتادن.  
امید که رسوم درست جایگزین آن ها شوند.  
با آرزوی حال خوب و خوشبختی برای شما مخاطبین و همراهان  
عزیز همدم ♥





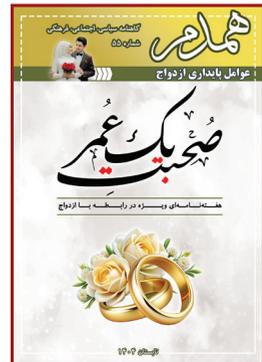
قسمت‌های قبلی ویژه نامه ازدواج را از اینجا دانلود کنید (برای دیدن هر کدام روی آن کلیک کنید):



قسمت سوم



قسمت دوم



قسمت اول

